

اجرای حکم قصاص یک زن در زندان مرکزی مشهد

حسادت زنانه به حلقه دار گره خورد



قاتل هنگام بازسازی صحنه جنایت در حضور قاضی حسینی (قاضی ویژه قتل عمد در زمان وقوع حادثه)

تکمیل تحقیقات در دادسرای عمومی و انقلاب مشهد، این پرونده جنایی به شعبه پنجم دادگاه کیفری یک خراسان رضوی ارسال شد و زن ۲۶ ساله بای میز محاکمه ایستاد. او در جلسات دادگاه نیز به صراحت به قتل شوهرش اعتراف کرد اما در عین حال گفت: او را دوست داشتم و عاشق شوهرم بودم!

در ادامه رسیدگی به این پرونده جنایی، قضات باتجربه دادگاه کیفری یک خراسان رضوی، او را بر اساس محتویات پرونده و اقارب صریح و همچنین دیگر دلایل و مستندات موجود به قصاص نفس محکوم کردند اما رای صادر شده با اعتراض متهم رو به روشد پرونده برای رسیدگی دقیق تر به شعبه ۴۷ دیوان عالی کشور ار جاع شد. گزارش خراسان حاکی است، با این حال قضات دیوان عالی نیز پس از مطالعه دقیق پرونده، رای صادره را مطابق با موازین قانونی و شرعی دانستند و رای به تایید قطعی آن دادند.

با قطعیت یافتن حکم قصاص نفس، این پرونده، برای اجرای حکم به دادسرای عمومی و انقلاب مشهد بازگشت تا این که سپیده دم روز یکشنبه گذشته مقدمات اجرای این حکم با دستور قاضی محمدرضا دشتیان (معاون اجرای احکام دادسرای عمومی و انقلاب مشهد) فراهم شد و بدین ترتیب مهری (قاتل ۲۲ ساله) پای چوبه وی ادامه داد: قبلا در یک سانحه تصادف که همسر مرا اندکی خودرو را به عهده داشت، من به شدت مجروح شدم که پس از گرفتن دیه خودرویی خریدم و بان کار می کردم. ولی خودرو را برای این که انبار ضایعات تأسیس کنیم فروختم، با همه این ها همسر من نسبت به زندگی و روابط خانوادگی خود تعلقی خاطر نداشت و مدام سر این موضوع با یکدیگر اختلاف داشتیم. بنابر گزارش اختصاصی خراسان، به دنبال

بود همسر با دیدن آن زن باز هم جوگیر شدو در برابر اعتراض من گفت: الان تو را داخل آغل سگ می اندازم تا ببینم چقدر طاقت داری؟ در آن لحظه آن زن غریبه وار د انبار شده بودو فرزندش با بچه ها بازی می کرد که شوهرم به طرف من حمله کرد. من در حال شستن کاری بودم که می خواستم با آن هندوانه ای را ببرم. در یک لحظه ما با هم در گیر شدیم و مقنعه ام جلوی چشمانم را گرفت. من کارد را به صورت کلنگی گرفته بودم که او را هل دادم ولی وقتی مقنعه را از روی چشمانم کنار زدم دیدم او تلو تلو خوران روی موتورسیکلت افتاد، در حالی که خون از بدنش بیرون می زد، دستم را روی زخم گذاشتم و فریاد دم به اورژانس زنگ بزنید. یکی از دوستان شوهرم که در محل بود با اورژانس تماس گرفت ولی من نمی توانستم این صحنه را تحمل کنم، بنابر این او را با خودرو به سمت بیمارستان بردیم که در بین راه اورژانس رسید و همسرم را به مرکز درمانی رساند. من قصد کشتن او را

زیادی را طی نکرد و ده بود که خودروی اورژانس از راه رسید و بدین ترتیب پیکر مجروح حادثه با آمبولانس به بیمارستان انتقال یافت اما تلاش کادر درمانی به نتیجه نرسید و این مرد جوان بر اثر عوارض ناشی از اصابت ضربه چاقو به قفسه سینه جان سپرد. گزارش خراسان حاکی است، به دنبال اعلام ماجرای قتل مرد ۳۶ ساله از طریق نیروهای کلا تری شفا به قاضی سیدجواد حسینی (قاضی ویژه قتل عمد در زمان وقوع حادثه) بلافاصله مقام قضایی به همراه گروهی از کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی عازم محل درگیری شد و تحقیقات فنی و تخصصی در باره چگونگی این جنایت هولناک ادامه یافت. دقایقی بعد با دستور «قاضی حسینی» همسر مقتول بازداشت شد و مورد بازجویی قرار گرفت. به گزارش خراسان، این زن که در همان مراحل اولیه تحقیقات، قتل همسرش را به گردن گرفت هنگام بازسازی صحنه جنایت در حضور مقام قضایی به تشریح جزئیات این قصه تلخ پرداخت و گفت: او (مقتول) وقتی فرد غریبه ای را می دید جوگیر می شد و می خواست قدرت مردانگی خود را اثبات کند. او دوسال قبل هم مرا با چاقو مجروح کرده بود و مدام کتکم می زد اما با همه این ها او را دوست داشتم. همه می دانند که من تا چه اندازه به همسرم عشق می ورزیدم. اگر در این انبار ضایعات زندگی می کنم، اگر ماشینم را به خاطر رونق کار ضایعات فروشی همسرم فروختم، اگر در دادگاه ها و کمپ ها دنبال او بودم، فقط به خاطر عشق و علاقه به زندگی ام بود. وی در پاسخ به سوال قاضی ویژه قتل عمد که قتل چگونه اتفاق افتاد، گفت: آن روز زن ناشناسی که من او را ندیده بودم ولی همسرم گاهی به صورت تلفنی با او صحبت می کرد، در انبار آمد در حالی که کودکش نیز همراهش

سجاد پور - زن ۲۲ ساله ای که شش سال قبل شوهر ۳۶ ساله اش را با انگیزه حسادت های زنانه و با ضربه چاقو به قتل رسانده بود سپیده دم یکشنبه گذشته در زندان مرکزی مشهد به دار مجازات آویخته شد. به گزارش اختصاصی خراسان، قصه تکان دهنده این جنایت در بیست و دوم خرداد سال ۹۳ در یک انبار ضایعاتی زمانی به روایت تلخ رسید که مردی به همراه همسر و فرزند هشت ساله اش و برای تمدید قرار داد جمع آوری ضایعات نزد صاحبکارش در خیابان شهید چراغچی ۱۸ رفت و با یکدیگر مشغول گفت و گو شدند. در این هنگام زن جوان دیگری وارد انبار ضایعاتی شد و از مرد ۳۶ ساله (ضایعات فروش) خواست همراه او به بیرون از انبار برود ولی مهری همسر ۲۶ ساله مرد ضایعات فروش که زیر چشمی آن زن جوان را زیر نظر داشت ناگهان با بروز یک حسادت زنانه به سمت همسرش رفت و فریاد زد «حق نداری با او بیرون بروی!» اما این کلام به مذاق امیر (مرد انبار دار) خوش نیامد! او که از شنیدن این جمله خشمگین شده بود با عصبانیت به سوی همسرش برگشت و فریاد زد: «می خواهم بروم تو چه کار داری؟» با این جمله شعله مشاجره ای وحشتناک زبانه کشید. «مهری» که در حال شستن تیغه یک چاقو برای بریدن هندوانه بود به طرف شوهر ۳۶ ساله اش برگشت و با یکدیگر درگیر شدند در این میان ناگهان تیغه چاقو به قفسه سینه مرد جوان فرو رفت و او تلو تلو خوران روی موتورسیکلت افتاد که در انبار ضایعات پارک شده بود. خریدار ضایعات که از دوستان مرد مجروح بود بلافاصله با اورژانس تماس گرفت اما نتوانست تا رسیدن نیروهای اورژانس صحنه خون ریزی دوستان را تحمل کند به همین خاطر یک نیمه جان مرد ۳۶ ساله را درون پر اید گذاشت و به سمت بیمارستان شهید شامی نژاد مشهد حرکت کرد هنوز مسافت

تقسیم ۴۰۰ ریال سود در مجمع عمومی عادی سالیانه صاحبان سهام شرکت پالایش نفت اصفهان



مجمع عمومی عادی سالیانه صاحبان سهام شرکت پالایش نفت اصفهان در خصوص عملکرد سال مالی منتهی به ۲۹ اسفند سال ۱۳۹۸، با رعایت دستورالعمل های بهداشتی و فاصله گذاری اجتماعی و همزمان به صورت آنلاین از شبکه اینترنتی، در محل سالن آمفی تئاتر شهرک شهید محمد منتظری برگزار شد.

در این مجمع که با حضور دارندگان ۷۹٫۳۵ درصد از سهامداران به صورت حضوری و مجازی برگزار شد، پرداخت مبلغ ۴۰۰ ریال سود خالص هر سهم بابت عملکرد سال مالی ۱۳۹۸ این شرکت به تصویب رسید و مقرر شد باقیمانده به مبلغ ۲۰٫۲۳۶۶۵۸ میلیون ریال نیز پس از کسر پاداش عملکرد هیئت مدیره، به عنوان سود تخصیص نیافته در حساب های شرکت لحاظ شود.

مجمع به بیشترین آراء به هیأت مدیره اجازه داد با رعایت صرفه و صلاح شرکت به تشخیص خود و در راستای تکلیف اجتماعی برای حمایت از پروژه هایی نظیر پروژه های حفاظت از محیط زیست، فرهنگی، ورزشی، بهداشتی و سایر سازمان های ذیصلاح قانونی به صورت بلاعوض یا تسهیلات خارج از آیین نامه معاملاتی شرکت و همچنین پروژه های آبرسانی یا لحاظ مصوبات هیات دولت و کارگروه ملی سازگاری با کم آبی و همچنین کارگروه استانی سازگاری با کم آبی و سایر مکاتبات دریافتی در این خصوص از طریق مراجع ذیربط استانی تا سقف ۶۵۰ میلیارد ریال اعتبار هزینه کند که سقف ۳۵۰ میلیارد ریال آن برای پروژه تامین آب مورد نیاز شرکت از خلیج فارس و تنمه مصوبات کارگروه ملی استانی سازگاری با کم آبی تامین آب پایدار شرکت و ۳۰۰ میلیارد ریال دیگر برای سایر فعالیت های اجتماعی است. همچنین هیئت مدیره مکلف شد

راهکارهای علمی و اجرایی کاهش آب مصرفی شرکت و همچنین شناسایی، جایگزینی و استفاده از سایر منابع آبی را پیگیری و اتخاذ تصمیم کند.

مدیر عامل شرکت پالایش نفت اصفهان در ابتدای این جلسه با بیان این که ادامه فعالیت پالایشگاه اصفهان در گرو راه اندازی واحدهای گوگردزایی است و تمامی فرآورده های نفتی این شرکت تا سال ۱۴۰۴ بر اساس استانداردهای یورو ۴ و ۵ تولید خواهد شد گفت: در حال حاضر تمامی بنزین

تولیدی این شرکت که روزانه حدود ۱۲ میلیون لیتر بوده منطبق با استاندارد یورو ۵ است.

مرتضی ابراهیمی با اشاره به این که از حدود ۲۲ میلیون لیتر گازوئیل تولیدی روزانه این شرکت فقط حدود ۲ میلیون لیتر آن اساس استاندارد یورو ۴ است افزود: با بهره برداری واحد تصفیه گازوئیل این شرکت در بهار سال ۱۴۰۰ تمامی گازوئیل پالایشگاه اصفهان مطابق با استاندارد یورو خواهد شد. او با بیان این که قرار داد ساخت واحد

گوگرد زدایی از نفت کوره این شرکت توسط یک شرکت ایرانی امضاء شده است گفت: این پروژه به دلیل پیچیدگی های خاصی که دارد تا ۴ سال آینده به بهره برداری می رسد.

مدیر عامل شرکت پالایش نفت اصفهان افزود: با راه اندازی واحد مزبور، تمامی فرآورده های نفتی آن بر اساس یورو ۴ و ۵ تولید می شود و معضل زیست محیطی پالایشگاه اصفهان رفع خواهد شد.

ابراهیمی در ادامه با بیان این که با بهره



برداری واحد گرینول سازی گوگرد پالایشگاه اصفهان، و با رعایت تمام استاندارد های زیست محیطی و با موافقت سازمان حفاظت از محیط زیست واحد های گرینول سازی گوگرد و حلال ها از فهرست آلودگی خارج شده است.

وی با بیان این که پالایشگاه اصفهان برای تامین آب مورد نیاز واحدهای عملیاتی خود به ساخت ایستگاه پمپاژ و تصفیه خانه پساب شاهین شهر با ظرفیت حدود ۷۰۰ متر مکعب اقدام کرده است گفت: در حال

حاضر حدود ۴۰۰ متر مکعب پساب شاهین شهر از طریق ایستگاه پمپاژ به این تصفیه خانه منتقل و پس از تصفیه در فرایند تولید استفاده می شود.

او یکی دیگر از اقدام های این شرکت برای کاهش مصرف آب در پالایشگاه اصفهان در بحران کم آبی حاکم بر کشور را به روز رسانی برج های خنک کننده برای جلوگیری از تبخیر و هدر رفت آب و همچنین استفاده از برق سراسری در واحدهای عملیاتی اعلام کرد و افزود: این شرکت برای تامین برق مورد نیاز واحدهای عملیاتی خود و کاهش آب مصرفی به خرید ۶۰ مگاوات برق از شبکه سراسری اقدام کرده است.

مدیر عامل شرکت پالایش نفت اصفهان با بیان این که پالایشگاه اصفهان در حال حاضر ۱۶ مگاوات برق از شبکه سراسری دریافت می کند گفت: به ازای تولید هر مگاوات برق، ۶ تن آب مصرف می شود که با احتساب ۱۶ مگاوات برق دریافتی از شبکه سراسری، حدود ۸۰ متر مکعب آب در ساعت صرفه جویی شده است و با بهره برداری واحدهای جدید و استفاده کامل از برق شبکه سراسری، ۳۰۰ تا ۴۰۰ متر مکعب آب در ساعت در پالایشگاه اصفهان صرفه جویی خواهد شد.

ابراهیمی افزود: ارز حاصل از صادرات محصولات شرکت پالایش نفت اصفهان رقم چشمگیری نیست که آن به طور مستقیم صرف خرید تجهیزات مورد نیاز برای طرح های در حال اجرای شرکت می شود. مدیر عامل شرکت پالایش نفت اصفهان، چشم انداز شرکت پالایش نفت اصفهان در افق سال ۱۴۰۰ را سرآمد شرکت های تولید کننده فرآورده های نفتی کشور اعلام کرد و افزود: با بهره برداری از طرح های بهبود فرایند تولید، این چشم انداز محقق خواهد شد.

من نه تنها قاچاق فروش نیستم بلکه از این کار به شدت متنفرم ولی یک اشتباه احساسی عاشقانه زندگی مرا نابود کرد و به اجبار با مواد مخدر سنتی و صنعتی آشنا شدم تا جایی که... زن ۲۲ ساله ای که به اتهام همدستی در خرید و فروش مواد مخدر به همراه شوهرش در یکی از پارک های مشهد دستگیر شده است، در حالی که به شدت اشک می ریخت، با بیان این که من قاچاق فروش نیستم، درباره ماجرای زندگی اش به کارشناس اجتماعی کلانتری قاسم آباد گفت: فوق دیپلم گرفته بودم که با «امیرعباس» آشنا شدم. او جوانی خوش بیان و خنده رو بود، به همین دلیل من هم با یک لیخنند خیابانی به او دل بستم و بدین ترتیب روابط پنهانی ما آغاز شد. آن قدر احساسات و هیجانات عشق و عاشقی های دوران جوانی چشمانم را کور کرده بود که حتی رشتی ها و پلییدی های وجود او را به گل و بلبل تشبیه می کردم و در ذهنم از او یک مرادیده آل ساخته بودم تا جایی که وقتی فهمیدم «امیرعباس» سابقه دار است و قبلا به جرم حمل و نگهداری مواد مخدر مدتی را در زندان گذرانده، هیچ اهمیتی به آن ندادم و خیلی راحت از کنار این موضوع گذشتم. اگر چه در همین مدت ارتباط پنهانی او را جوانی شراب خور و رفیق باز یافتم اما همه این ها را زیرپایم گذاشتم و او را بر بلندای قصر آرزوهایم دیدم. یک سال قبل، وقتی امیرعباس به خواستگاری آمد، پدرم در همان دیدار اول او را لایق من ندانست و با این از دواج مخالفت کرد. مادرم نیز معتقد بود خانواده او در شأن ما نیستند ولی من به از دواج با او اصرار می کردم زیرا با همین ادعاهای پوچ و هیجانی دوران جوانی به خودم ثابت می کردم که من با عشقی آتشین او را به زندگی عادی باز می گردانم و عشقم را به پایش می ریزم. اما یک ماه بعد از از دواج، تازه فهمیدم که همه این ادعاهای بی اساس و هیجانی فقط یک مشت حرف های پوچ و بیهوده است که برای رسیدن به هوس ردیف می شوند. در همان آغاز زندگی مشترک، امیرعباس سراغ دوستان ناباب و کارهای خلاف گذشته اش رفت. شب ها دیر به خانه می آمد و پاسخ اعتراضم را با مشت و لگدمی داد. دوست داشتم مانند روزهای اول عاشقی در کنارش باشم و با او حرف بزنم ولی چهره در هم و بی توجهی هایش دل سرد می کرد. امیرعباس مرا مجبور کرده بود برای فروش مواد مخدر همراهی اش کنم تا پلیس به او مشکوک نشود. در حالی که حتی نام مواد مخدر را نمی دانستم، مجبور بودم برای فریب پلیس، در کنار شوهرم قرار بگیرم. تا این که یک روز وقتی با همین شوگر در یکی از پارک های منطقه قاسم آباد مشهود در حال توزیع مواد مخدر بین معتادان پارک بودیم، ناگهان در محاصره نیروهای انتظامی قرار گرفتیم و...